

بررسی نقش اندیشه های سوسیالیستی در ناکامی جنبش جنگل

منیره صادقی^۱

چکیده

جنبش جنگل یکی از مهمترین جنبش های شکل گرفته در ایران آشفته بعد از جنگ جهانی اول بود که با وجود اهداف اولیه خود نظیر مبارزه با بیگانگان و همچنین برخوردار بودن از رهبری با ویژگی های اسلامی در نهایت هم از نظر ایدئولوژیک و هم از نظر کادر رهبری از اهداف و عناصر اولیه خود منحرف شد. این انحراف دارای چندین مرحله بود که در ابتدا به صورت همکاری با ارتش سرخ جهت مبارزه با نیروهای انگلیسی و دولتی نمود پیدا کرد، در میانه راه با وجود منع نخستین رهبران جنبش از انجام تبلیغات مسلکی به نفوذ اندیشه های سوسیالیستی و عناصر حامی این اندیشه ها در جنبش انجامید که در نهایت باعث افتادن جنبش در دست این عناصر و کودتا علیه رهبران نخستین شد. جنبش با وجود تلاش های که در جهت اتحاد دوباره بین رهبران پیشین و عناصر جدید صورت گرفت اما نتوانست انسجام لازم برای ادامه راه را پیدا کند و با انعقاد قرارداد مودت ۱۹۲۱ م (۱۳۰ ه-ش) ایران و شوروی ضربه آخر به آن وارد شد و نیروهای دولتی توانایی سرکوب و قلع و قمع جنبش را پیدا کردند. بر همین مبنا بررسی سیر حضور افکار و عناصر سوسیالیستی در ایدئولوژی جنبشی که با تاکید بر مبانی ملی و اسلامی شروع به کار کرد و انتظار میرفت به حرکتی همه گیر و اصلاح طلبانه منجر

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان. moniresadeghi7@gmail.com

شود، ضروری می باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع نظری و مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی است و برای جمع آوری داده ها از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

کلمات کلیدی: ایدئولوژی، جنبش جنگل، سوسیالیست، ارتش سرخ.

مقدمه و طرح مسئله

جنبش جنگل یکی از مهمترین و طولانی ترین جنبش هایی است که در اواخر دوره قاجاریه و با توجه به نابسامانی های ناشی از جنگ جهانی اول و حضور مداوم نیروهای روس و انگلیس شکل گرفت. به همین دلیل ایدئولوژی اصلی جنبش نیز در ابتدا بر پایه عدم وابستگی به بیگانه و بهبود اوضاع مردم به وجود آمد اما در نهایت و با توجه به اوضاع و شرایطی که خواسته یا ناخواسته گریبانگیر جنبش شده بود به طور کلی تغییر کرد. از این لحاظ جنبش جنگل را می توان به دو دوره کاملاً متفاوت تقسیم کرد. اندیشه و مرام سوسیالیستی از اواخر دوره اول تا پایان جنبش را شامل می شود. بروز آشکار مرام و مسلک سوسیالیستی در نتیجه چندین عامل داخلی و خارجی بود. مهمترین عامل داخلی مشکلات و آشفتگی های اقتصادی بعد از جنگ در ایران بود. این مسئله باعث شد به ویژه در منطقه شکل گیری جنبش به دلیل وجود اکثریت مردم کشاورز روستایی و پیشه وران شهری و آشنایی نه چندان عمیق این قشر از جامعه با شعارهای سوسیالیستی اندیشه هایی از این دست مجال بروز بیشتری داشته باشند. در زمینه خارجی با توجه به اسناد و مدارک موجود می توان ادعا کرد که رقابت دو کشور شوروی و انگلیس در واقع ادامه همان رقابت سنتی روسیه و انگلیس در ایران بود و از این نظر اهمیت داشت که توجه شوروی به جنبش جنگل و سعی در اشاعه افکار و وروش سوسیالیست ها و

سپس مصادره جنبش به نفع خود در واقع برای فشار و امتیاز گیری از انگلستان و حتی ایران بود. حضور اندیشه سوسیالیستی در ناکامی جنبش جنگل را از این لحاظ می توان برای جنبش مضر در نظر گرفت که نه تنها باعث جدایی رهبر اصلی جنبش یعنی میرزا کوچک خان از آن شد بلکه بسیاری از طرفداران خود را نیز یا در نتیجه جدایی میرزا از جنبش و یا در نتیجه تلاش برای ترویج روش حکومتی جدید بر مبنای سوسیالیست و به دور از آداب و عقاید مذهبی، اجتماعی و اقتصادی مردم از دست داد. از آنجایی که در جنبش جنگل ایدئولوژی دوره اول و بسیاری از عوامل و شرایط موجود در دوره اول تاثیر به سزایی در دوره بعد و در نهایت در کل سرنوشت جنبش بازی کرد، این پژوهش نیز ایدئولوژی جنبش را از ابتدای شکل گیری به طور اجمالی بررسی می کند. با توجه به این که بحث مورد نظر تنها بر روی نکات صرفاً ایدئولوژیک یا عوامل تاثیر گذار بر روی ایدئولوژی جنبش متمرکز شده است به همین دلیل از ذکر عمده وقایع و جریانات روی داده در جنبش با این توجیه که خواننده خود واقف به جریانات می باشد خودداری شده است. هدف از انجام این پژوهش پاسخ دهی به این سوال است که نقش اندیشه های سوسیالیستی در ناکامی جنبش جنگل تا چه اندازه است و چه تاثیری در سیر نهایی جنبش بر جای گذاشت؟

ایدئولوژی جنبش جنگل در دوره اول (اردیبهشت - خرداد ۱۲۹۴ تا فروردین - اردیبهشت ۱۲۹۹ ش.۵ / ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۰ م)

دوره اول جنبش جنگل با عزیمت میرزا کوچک خان به گیلان آغاز و با توقف مخاصمات جنگی پایان گرفت. در دوره اول ایدئولوژی جنگلی ها متناسب با اوضاع و شرایط اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی در سه هدف عمده بیان می شد: ۱- اخراج نیروهای بیگانه ۲- برقراری امنیت و رفع بی عدالتی ۳- مبارزه با خودکامگی و استبداد (فخرایی، ۱۳۶۸: ۵۱). انتخاب این اهداف ناشی از زمینه ها و بسترهای موجود در گیلان بود. از طرفی استعمارگران غربی در پی گسترش نفوذ خود در سرزمین های شرقی و دست اندازی به منابع این کشورها بودند و از سوی دیگر روسیه نیز برای جلوگیری از گسترش نفوذ امپریالیست های غربی سعی در توسعه قدرت خود در این مناطق داشتند (رائین، ۱۳۵۵: ۲۰۷). مسئله مبارزه با بیگانه در این دوره برپایه اصول دینی و مذهبی و حس ملی ایرانی استوار بود. زیرا هم در اسلام هرگونه تسلط بیگانه بر سرزمین های اسلامی طبق قاعده نفی سیل رد می شد و هم حضور تاریخی روس و انگلیس در دوره ای که ملت گرایی و مسئله حق تعیین سرنوشت بسیار مطرح می شد باعث گرایش گیلانیان به جنبش بود و اصل ملی گرایی در ایدئولوژی دوره اول نهضت جنگل را توجیه می کرد (خلیجی/رادمرد، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۹). از جانب دیگر وضع اجتماعی و اقتصادی مردم گیلان در جریان جنگ جهانی سخت متزلزل شده بود. تسلط قدرت های خارجی و خرابی های ناشی از جنگ باعث قطع روابط بازرگانی شده بود که مشکلات اقتصادی مردم را دامن می زد. این اوضاع بخصوص وضعیت را برای توده های مردم مانند دهقانان، کارگران، پیشه وران، خرده بورژوازی و فقرای شهری سخت کرده بود (ایوانف، بی تا: ۲۸). در زمینه اجتماعی ظلم و ستمی که از طرف عمال حکومت مرکزی از طرفی و عمال روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس از طرف دیگر بر مردم تحمیل می شد باعث ایجاد اعتراضاتی از جانب مردم شده بود که این اعتراضات غالباً سازماندهی خاصی نداشت و اکثراً به صورت نپرداختن مال الاجاره به مالکان یا فرار از محل کار و مزرعه دیده می شود (کتابی، ۱۳۶۲: ۱۲۴). در چنین اوضاعی میرزا با سخنرانی های کوتاه و جسته و گریخته خود مردم را نسبت به ظلم عمال تزاری و انگلستان که

دارایی و دین و آبروی مردم را به یغما برده اند، آگاه می کرد. مردم نیز از این جهت حامی جنبش بودند که اهداف و ایده های جنگل را همان آمال و خواسته های خود می دیدند. زیرا همان گونه که گفته شد ایدئولوژی جنبش در دوره اول متناسب با شرایط حاکم بر جامعه گیلان و برآمده از فرهنگ مردم آن ناحیه بود (خلیجی/رادمرد، ۱۳۸۸: ۶۵).

از نظر ترکیب اجتماعی دو گروه حامیان اصلی جنبش بودند. گروهی شامل بازرگانان، روحانیون و زمین دارانی بود که خواهان بعضی اصلاحات بودند و گروه دوم شامل دهقانان و تهی دستان شهری می شد که بعضاً افکار تندروانه داشتند و به همین خاطر مورد توجه کمونیست ها قرار گرفتند (فوران، ۱۳۷۸: ۲۹۸). از گروه اول تحت عنوان گروه اصلاح طلب - سازشکار هم یاد می شود. اصلاحات از هر نوعی را تا آن جا قبول داشتند که منافعشان به خطر نیفتد. به تعبیر دیگر در زمینه تغییرات سیاسی و اجتماعی مترقی اما در زمینه تغییرات اقتصادی محافظه کار بودند (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

البته دگرگونی های اجتماعی را نیز از طریق محدود کردن اختیارات شاه و سلطه فئودال ها دنبال می کردند و تصویری از تغییرات عمده در نظم اجتماعی و سیاسی را نداشتند (پدییح، بی تا: ۴۹). نیازهای مالی جنبش هم در این مرحله عمدتاً توسط تجار ناسیونالیست وابسته به گروه اول تامین می شد که جدا شدن همین تجار در مرحله دوم جنبش و با به اجرا در آمدن اصول کمونیست باعث مضیقه مالی جنبش شد (ایوانف، ۱۳۵۴: ۸۴). به طور خلاصه در رابطه با ترکیب حامیان جنبش می توان نوعی ترکیب اجتماعی ناموزون که البته به لحاظ سطح زندگی مادی و آگاهی های سیاسی و اجتماعی هم ناهمگون بودند را تشخیص داد (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). این ترکیب ناموزون در مرحله بعد ضربه ای جدی به جنبش وارد ساخت. به این ترتیب تا پیش از یورش کمونیست ها هسته اصلی نیروهای جنگنده جنبش را دهقانان و کارگران و

کسبه روستایی و شهری تشکیل می دادند اما رهبری اصلی جنبش در این دوره در دست کمیته اتحاد اسلام بود که دارای «ویژگی های بورژوازی ملی و وحدت اسلامی» بود (ذبیح، بی تا: ۴۸).

علل گرایش جنبش جنگل به بلشویک ها

بررسی چند واقعه در روی آوردن جنبش جنگل به بلشویک ها مهم و حیاتی است. وقایع که همزمان با روی کار آمدن دولت وثوق الدوله در ۱۳ مرداد ۱۲۹۷ ه.ش (۵ آگوست ۱۹۱۸ م) رخ دادند به نوعی باعث به هم خوردن تعادل جنبش شد. اولین حادثه درگیری جنگلی ها با نیروهای انگلیسی در مسیر منجیل تا رشت بود که هر چند جنگلی ها موفق شدند ضرباتی بر نیروهای انگلیسی وارد کنند اما در در نهایت قرارداد صلحی میان دو طرف در گیر در ۲۲ مرداد ۱۲۹۷ ه.ش (۱۴ آگوست ۱۹۱۸ م) به امضا رسید ولی همین جنگ ها قوای نظامی و تسلیحاتی جنبش را تضعیف کرد (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

رویداد مهم دیگر تسلیم شدن مخفیانه حاج احمد کسمایی از رهبران جنبش به همراه نیروهایش به دولت بود. تسلیم شدن حاج احمد کسمایی موازنه سیاسی جنگل را بر هم زد و عقب نشینی های پی در پی جنگلی ها به شرق گیلان موجبات فروپاشی سازمان ها و اعدام نیروهای جنگل شد (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۰). دشواری های پس از عقب نشینی مداوم و بدون استراتژی جنبش باعث رقم خوردن واقعه بعدی یعنی تسلیم شدن دکتر حشمت شد. اعدام دکتر حشمت با وجود سوگند خوردن مقامات دولتی حاوی یک نکته ایدئولوژیک است. اولین اینکه شکستن سوگند مقامات دولتی اعتماد جنبش را نسبت به اصلاح تشکیلات دولتی و پادشاه مشروطه سست

کرد (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۲). این در حالی است که پیش از این جنبش خواهان احیای بی کم و کاست نظام مشروطه بود و به همین دلیل بر حفظ جایگاه پادشاه تاکید داشتند و اطاعت از او را واجب الاطاعه می دانستند (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۹۸). بازتاب این تفکرات را در روزنامه جنگل که ارگان رسمی جنبش بود هنگامی که می نویسد «گیلان فدایی شاه است» می توان دید (س ۱، ش ۲۷، ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۶). یا در شماره ۲۸ همین روزنامه هدف اصلی جنبش را احراز استقلال مملکت می داند و بعد از ذکر این هدف اصلاحات در اساس مملکت به منظور دفع فساد تشکیلات دولتی را مطرح می کند (س ۱، ش ۲۸، ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۳۶). اما کشته شدن دکتر حشمت نشان دهنده این بود که از نظر حکومت جنبش جنگل یک جنبش مسلحانه ضد سلطنت است. مجموع این وقایع جنبش را در برابر رخنه کمونیست ها آسیب پذیر کرده بود. به گونه ای که برخی رهبران نهضت همچون احسان الله خان معتقد بود که احیای دوباره جنبش تنها با کمک دولت شوروی امکان پذیر است و بر همین مبنا نیز با روس ها تماس برقرار کرد (ذبیح، بی تا: ۵۰).

ایدئولوژی جنبش جنگل در دوره دوم (۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ ش تا ۱۱ آذر ۱۳۰۰ ش / ۱۸ مه ۱۹۲۰ تا ۲ دسامبر ۱۹۲۱ م)

دوره دوم جنبش جنگل دوره ایست که با ورود ارتش سرخ به انزلی آغاز و با شکست نظامی جنبش (پس از عقد قرارداد ۱۹۲۱ م / ۱۳۰۰ ه.ش) در برابر قوای مرکزی به پایان رسید. در دوره اول میرزا نماینده ای به باکو برای جلب حمایت انقلابیون قفقاز ارسال کرد که البته به نتیجه نرسیده بود. اما در سال ۱۲۹۹ ه.ش (۱۹۲۰ م) کمیته لنکران حزب کمونیست روسیه نامه

ای به میرزا ارسال کرد و آمادگی خود را برای حمایت از جنبش جنگل ابراز کرد (رواسانی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). در ۲۸ اردیبهشت (۱۸مه) همان سال ناوگان ارتش سرخ به فرماندهی راسکولنیکف به بهانه تعقیب ناوگان فراری گارد سفید ضد انقلاب وارد انزلی شد و ارتش سرخ این بندر را تصرف کرد. باید اضافه نمود کل جریان پیاده شدن نیروهای شوروی در انزلی و حوادث پس از آن از وجود وظایف محرمانه دقیق تری گواهی میداد. زیرا چچرین وزیر امور خارجه شوروی پیش از این نسبت به بازگشت مسالمت آمیز ناوگان گارد سفید به شوروی توسط دولت ایران مخالفت کرده بود. چون بازگرداندن این ناوگان تنها هدف روس ها نبود. اخراج انگلیسی ها و فراهم ساختن بنیادهای جبهه شرقی انقلاب جهانی از اهداف دیگر شوروی در تصرف انزلی بود (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۲۶). این جمله معروف لنین « مشرق زمین را فراموش نکنید » که در پنجم دسامبر ۱۹۱۷ م (۱۴ آذر ۱۲۹۶ ه.ش) ایراد شد بعدها به عنوان الگویی برای کمونیست و جریان های کمونیسم بین الملل در آمد. لنین بر این عقیده بود که ملل شرق در ایجاد جوامع کمونیستی بر ملل غرب پیشی خواهند گرفت (رائین، ۱۳۵۵: ۳۲۴). به خصوص اینکه در آغاز سال ۱۹۲۰ م (۱۲۹۹ ه.ش) پرولتاریای غرب فعالیت انقلابی خود را از دست داده بود. از این جهت رهبری شوروی به ناچار باید منبع دیگری از نیروهای عظیم انقلابی فراهم می کرد که قادر باشد از دست رفتن جبهه غربی را جبران کند (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۱۵). به علاوه شوروی در رقابت با انگلستان ایران را به مثابه دری می دید که باید برای سلطه بر هندوستان از آن عبور کرد. انقلاب ایران کلید فتح تمامی شرق بود. پس برای توفیق انقلاب شرقی نخستین کشوری که باید توسط شوروی ها اشغال می شد ایران بود (لنزوسکی، ۱۳۵۶: ۳۵).

میرزا نیز با وجود تردیدی که در همکاری با ارتش سرخ داشت اما امیدوار بود بتواند از این اوضاع برای مبارزه علیه ارتش انگلیس و نیروهای دولتی استفاده کند. این هدفی بود که بعدها میرزا در ژانویه ۱۹۲۱ م (دی ۱۲۹۸ ه.ش) خطاب به یک مامور بخش اطلاعاتی جبهه قفقاز اعلام کرده بود (پرسیتیس، ۱۳۷۹: ۲۷).

سرانجام ملاقاتی میان راسکولنیکف نماینده شوروی، سران جنگل و نماینده حزب عدالت در کشتی بخار کورسک ترتیب داده شد. موضوع قابل بحث در این دیدار خط مشی و تاکتیکی بود که می بایست برای پیشرفت انقلاب دنبال می شد. میرزا به دلیل تفکرات مذهبی خود با کمونیسم و تبلیغات آن مخالفت کرد و معتقد بود که ناسیونالیسم و مذهب بزرگترین موانع تبلیغ کمونیسم هستند و چه بسا باعث شود مردم به دید نامساعد به انقلاب بنگرند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۴۳). البته میرزا درست فکر کرده بود چون بعدها یکی از مهمترین دلایل شکست جنبش تلاش برای اشاعه مسلک کمونیسم در بین مردم بود. با این وجود این دلیل مورد قبول واقع نشد چون طرف مقابل اعتقاد داشت که «تبعیت از عقاید مردم که به حد کفایت فقیر و نادان اند مستلزم بقا به وضع موجود و قبول تسلط انگلیس است و تمایلات ملی را به عنوان مردود شناختن اصول جدید کافی نمی دانستند» (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۴۳). نهایتاً چون بلشویک ها برای پیشبرد اهداف آینده باید با میرزا به توافق می رسیدند در روز دوم قراردادی نه ماده ای بین طرفین منعقد شد که مهمترین مواد آن عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و الغای مالکیت، ممنوع بودن تبلیغات، تاسیس حکومت جمهوری موقت، ورود به تهران و تشکیل مجلس مبعوثان و پذیرفتن هر نوع حکومتی که نمایندگان مردم بخواهند بود (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۴۴). این در حالی بود که کمی پس از عقد قرارداد میرزا با بلشویک ها و دو روز پس از ورود او به رشت بیانیه دیگری صادر شد که بلشویک ها و کمونیست های ایران در تدوین

آن نقش داشتند. لحن این بیانیه تغییرات ایدئولوژیک را نمایان تر می کند. در این بیانیه دو نکته وجود داشت. اول اینکه بجای عنوان جنگل جمعیت انقلاب سرخ ایران به کار رفته بود و دومی اعلام جمهوری همراه با لغو سلطنت و رویگردانی از مشروطه بود (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۶). هر دو این موارد اثرات زیان باری برای جنبش داشت.

چون عده ای از مالکین و تجار و کسبه با اینکه کلیه معاهدات ایران با دولت های بیگانه لغو شود موافق بودند اما اعلام جمهوری و خلع قاجاریه باعث وحشت آنان گردیده بود (متولی، ۱۳۷۳: ۱۱۰). اعلان جمهوری باعث اعتراض این گروه که در ضمن از حامیان مالی جنبش نیز بودند شد. اعتراضات آنان به ویژه زمانی گسترده شد که کمونیست های ایران دست به یک رشته تحریکات در میان مردم زدند. آنان در میداین شهر و بازارها و روستاها سخنرانی بر پا کرده و خواستار حذف فیزیکی بورژوازی، مصادره اموال آنان و پایان دادن به تجارت خصوصی شدند (پرسیس، ۱۳۷۹: ۴۰). در نقطه مقابل شخص میرزا علاقه چندان به مصادره اموال و تقسیم اراضی نداشت زیرا سیاست ارضی وی با تمایلات مذهبی اش در هم آمیخته بود. او هوادار نوعی نظام دموکراتیک اسلامی بود که بر مبنای یک نظام وصول مالیات به صورت زکات قرار داشت (ذبیح، بی تا: ۵۰). هم چنین او می دانست که قادر نیست با هم پیمانان خویش قطع رابطه کند. زیرا جنگل از امکانات بسیاری از مالکان و خانها استفاده می کرد و نمی توانست در همان حال لغو امتیازات مالکان را در دستورکار خود قرار دهد (شعاعیان، ۱۳۴۹: ۲۰۷). کمونیست ها در حالی به شدت به دنبال انجام تغییرات سریع و سیاست های شدید در جهت الغای مالکیت بودند که جنگلی ها با باورهای مذهبی می خواستند با حفظ شعار «الناس علی مسلطون اموالهم» آزادی فردی و اجتماعی را در جامعه مستقر سازند (رائین، ۱۳۵۵: ۲۳۶). در کنار تجار و مالکان روشنفکران نیز قرار داشتند که با خلع

قاجاریه موافق نبودند. این گروه نیز تنها از شعار مبارزه با بیگانگان حمایت می کرد و به هیچ عنوان راضی به مرگ با دولت مرکزی نبود (متولی، ۱۳۷۳: ۱۱۰). علاوه بر اعلام جمهوری و خلع قاجاریه که باعث جدایی دو طبقه ثروتمند و روشنفکر از جنبش شد تبلیغات کمونیست ها علیه مذهب باعث بدبینی افکار عمومی نسبت به جنبش شده بود. با اینکه ممنوعیت تبلیغات مسلکی از مواد نه گانه قرار داده بود اما کمونیست ها به شدت علیه قرآن و روحانیت به تبلیغ می پرداختند و تقاضای برداشتن فوری حجاب زنان را داشتند (ایوانف، بی تا: ۴۰). سخنرانی های آنان علیه اسلام و شریعت و حجاب باعث اعتراضات و خشم توده مذهبی شده بود. نائوکائوف عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران می گوید که تمامی این مسائل در نهایت باعث بی اعتباری بلشویک در میان مردم شد و جنبش را نیز از حمایت نیروی اجتماعی محروم ساخت (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۴۱). باید اضافه نمود که میرزا کمی پیش از وقوع کودتای سرخ نامه ای در رابطه با رویه غلط کمونیست ها که موجبات جدایی مردم از جنبش شده بود برای لنین فرستاد. میرزا که تمایلات مذهبی و روابط اجتماعی مردم را به خوبی می شناخت درباره اثرات سوء این گونه تبلیغات چنین می نویسد: «... پروپاگانداى اشتراکى در ایران عملاً اثرات سوء مى بخشد زیرا پروپاگانداچى ها از شناسایی تمایلات ملت ایران عاجزند. من به نمایندگان شما در موقعش گفتم که ملت ایران حاضر نیست برنامه و روش بالشويزم را قبول کند زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق مى دهد...» (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۷۹). به این صورت جنبش پیوند خود را با ادبیات سیاسی - اجتماعی پیشین که برآمده از جامعه و تاریخ و باورهای اتحاد اسلام و معرف هویت ایدئولوژیک جنبش بود را با رسوخ ادبیات سیاسی بلشویکی از دست داد و مجموع این عوامل به پایگاه اجتماعی جنبش و مبانی مشروعیت آن ضربه ای جدی وارد ساخت (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

باید اشاره نمود علاوه بر فعالیت ها و تبلیغات شدید کمونیست ها که با تشکیل حزب کمونیست ایران افزایش نیز یافته بود عامل مهم دیگر در چرخش ایدئولوژی نهضت تغییراتی بود که در رهبری جنبش پدید آمده بود. در حالی که در دوره اول هیئت اتحاد اسلام رهبری جنبش را برعهده داشت و اعضای آن نیز بیشتر علما بودند اما مدتی بعد برای اینکه افراد غیر روحانی هم بتوانند وارد آن شوند به عنوان کمیته اتحاد اسلام تغییر یافت که در نتیجه افرادی با افکار و انگیزه های گوناگون وارد کمیته شدند که در نهایت به زیان جنبش تمام شد (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

در این حین میرزا که مایل بود از روس ها جدا شود سعی کرد با دولتی که برای ایران مضر نباشد قرارداد ببندد در همین زمان مشیرالدوله سردار فاخر رابه نزد میرزا فرستاد و او که با مرام کمونیستی مخالف بود اعتماد خود را به دولت ابراز و قول داد تا از ورود کمونیست های باکو به انزلی جلوگیری کند. این واقعه تیر خلاص به همکاری میرزا با بلشویک ها در این زمان بود این اقدام میرزا با مخالفت احسان الله مواجه شد در نتیجه او روابط خود را با کمونیست ها قطع و اعلام کرد تا زمانی که تبلیغات مسلکی کمونیست ها وجود دارد او باز نخواهد گشت. خروج میرزا زمینه را برای اجرای نقشه اصلی کمونیست ها که از ابتدای همکاری با میرزا به دنبال آن بودند را فراهم آورد و در تاریخ ۹ مرداد ۱۲۹۹ ه.ش (۳۱ جولای ۱۹۲۰ م) کودتای سرخ اجرا شد.

حزب کمونیست ایران

با توجه به اینکه حزب کمونیست ایران نقش اصلی را در کودتای سرخ ایفا کرد لازم است مختصری در رابطه با چگونگی آشنایی ایرانیان با اندیشه های سوسیالیستی و تشکیل حزب کمونیست ایران توضیحاتی داده می شود.

اولین آشنایی ایرانیان با افکار سوسیال دموکراتیک و سوسیالیستی در نیمه دوم قرن نوزدهم صورت گرفت. دو مرکز عمده آشنایی ایرانیان با این افکار وجود داشت. یکی استانبول که به واسطه نزدیکی به اروپا در معرض جریان افکار سیاسی و اجتماعی که در اروپا قرار داشت و دیگری باکو که هنوز بعد از عقد معاهده ترکمن چای و جدایی از ایران روابط اقتصادی و فرهنگی خود را با شمال ایران قطع نکرده بود (رواسانی، ۱۳۸۴: ۵۰). به واسطه رفت و آمد هایی که بین ایران و قفقاز وجود داشت اخبار وجود مراکز صنعتی و کارگری در باکو به ایران منتقل می گردید و عده بسیاری را تحریک می کرد تا برای امرار معاش به آن سوی مرز بروند. حضور انقلابیون روسی در منطقه قفقاز و فعالیت های آنان بر ضد روسیه تزاری در کارگران ایران تاثیر گذاشت. با بازگشت این افراد که اکنون دارای افکار و تشکیلات سوسیالیستی شده بودند افکار افراد بیشتری به مبارزه علیه استبداد معطوف گردید (متولی، ۱۳۷۳: ۵۰). عده ای از همین افراد مقیم خارج بعداً تشکیل فرقه عدالت را دادند. این گروه ضمن راه اندازی روزنامه دو زبانه آذری - فارسی به نام حریت تشکیل اتحادیه های کارگران ایرانی شاغل در تاسیسات نفتی باکو را آغاز کرد. تقریباً تمام رهبران این گروه جدید از روشنفکران آذربایجان ایران بودند. مثلاً غفارزاده اولین دبیر کمیته که با اوج گیری جنبش جنگل به ایران آمده بود از اهالی اردبیل بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

با این که پیش از این کمونیست ها فعالیت زیادی در جهت تبلیغ و جذب نیروها داشتند و در تهران، تبریز، مشهد، رشت، انزلی، زنجان و اردبیل دارای سازمان بودند اما به اذعان بیشتر منابع

داخلی و خارجی فعالیت واقعی آنان در داخل ایران از زمان ورود ارتش سرخ به انزلی آغاز شد و کمیته عدالت به رشت منتقل گردید (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۴). کمی پیش از وقوع کودتای سرخ یعنی در تاریخ اول مرداد ۱۲۹۹ ه.ش (۲۳ جولای ۱۹۲۰ م) کمیته عدالت اولین کنگره خود را به ریاست آقازاده تشکیل داد و رسماً نام کمیته را به حزب کمونیست ایران تغییر دادند. در کنگره انزلی در رابطه با دو تر مخالف در برخورد با جنبش جنگل نیز بحث شد. تر اول متعلق به سلطان زاده بود که اعتقاد داشت ایران انقلاب بورژوازی را پشت سر گذاشته و آماده یک انقلاب کارگری و دهقانی است. این سند با اعتقاد به فراهم بودن انقلاب سوسیالیستی خواستار تقسیم دوباره اراضی بر پایه اتحادیه های کارگری، مبارزه و براندازی مسلحانه بورژوازی و حامیان روحانی آن و همینطور سلطنت، اشراف فئودال و امپریالیست های انگلیس بود. دومین تر توسط حیدر خان ارائه شده بود که تاکید داشت راه ایران نه به سمت انقلاب سوسیالیستی بلکه به جانب یک انقلاب ملی است. در این سند اقتصاد ایران هم چنان ماقبل سرمایه داری ترسیم و دولت را زیر سلطه فئودال ها می داند تر دوم نتیجه می گرفت که وظیفه فوری حزب کمونیست ایران « رهبری همه طبقات ناراضی به ویژه دهقانان خرده بورژوازی و پرولتاریای لمپن برضد امپریالیسم بیگانه و دست نشاندگان داخلی آن است » (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۰۴). کنگره در نهایت تر سلطانزاده را پذیرفت و برنامه های حزب را تدوین و خط مشی های زیر تصویب نمود: ۱- سرنگون کردن انگلستان ۲- مصادره اموال کلیه شرکت های خارجی ۳- شناسایی حق خودمختاری برای همه ملیت ها در چارچوت وحدت کشور ۴- مصادره تمام زمین های متعلق به مالکان بزرگ و تقسیم آن در بین دهقانان ۵- اتحاد با شوروی و نهضت پرولتاریای جهانی (ذبیح، بی تا: ۶۱).

وقایع بعدی نشان داد که حزب کمونیست ایران که در راستای اجرای سیاست خارجی شوروی تشکیل شده بود چه از نظر سیاسی و چه از نظر ایدئولوژیک بخشی از حزب کمونیست روسیه بلشویکی بود. در واقع تشکیل حزب کمونیست ایران نتیجه مبارزات طبقاتی در ایران و سازمان یافتن کارگران بر اساس یک ایدئولوژی که علیه استعمارگران در ایران باشد، نبود (رواسانی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). علاوه بر اینکه سیاست ها و تاکتیک های حزب از سیاست خارجی شوروی در برابر انگلستان تاثیر می گرفت در گیلان نیز زمینه های فکری و مادی تشکیل حزب کمونیست وجود نداشت. زیرا نه درجه رشد وسایل تولید و نه شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه برای ایجاد چنین سازمانی مهیا نبود. به این دلیل تشکیل این حزب تنها موجب ضعف جنبش گردید (رواسانی، ۱۳۸۱: ۲۱۶-۲۱۷).

دولت کودتا

پس از کودتای عناصر حزب کمونیست به همراه احسان الله در رشت دولتی به نام کمیته ملی آزادی ایران به ریاست شخص احسان الله خان تشکیل دادند. دولت جدید بیانیه ای درباره آزاد ساختن توده های دربند، مصادره و تقسیم زمین های مالکان بزرگ بین دهقانان منتشر ساخت (ایوانف، بی تا: ۴۱). که نخستین اقدامات رژیم کمونیستی جدید گیلان در زمینه سلب مالکیت و وصول مالیات بود. این دو برنامه ضربه بزرگی را به جنبش وارد ساخت. عده بسیاری از زمین داران که شنیده بودند بلشویک ها عده بسیاری را کشته اند اموال خود را بدون صاحب رها کرده و به تهران رفته بودند (متولی، ۱۳۷۳: ۱۱۱). هم چنین نوعی سیستم مالیات گیری جدید ایجاد شده بود که بر طبق آن مالیات های طاقت فرسا آن هم معمولاً سه ماه پیش از

موعد از روستاییان و پیشه وران دریافت می شد. عایدات دولت نیز علاوه بر مالیات های سنگین که بر مردم بسته بود عبارت بود از ۳۰۰۰ تومان اعانه که در سه قسط اخذ شده بود و این علاوه بر درآمد املاک و مستقلاتی بود که تصرف کرده بودند (منشور گرگانی، ۱۳۶۸: ۱۲۶).

حکومت جدید گیلان در زمینه مذهب نیز با مشکلاتی روبرو بود. مساجد شهر تقریباً به حالت نیمه تعطیل درآمده بود و مردم از ترس نیروهای سرخ جرات شرکت در مراسم های مذهبی را نداشتند (متولی، ۱۳۷۳: ۱۱۱). تبلیغات بلشویکی آن چنان زیاد شده بود که کلیه اهلی رشت مجبور بودند علامت داس و چکش روی سینه خود نصب نمایند. کمونیست ها هر روز میتینگ هایی بر پا و بیانیه هایی با مرکب قرمز بر در و دیوار شهر نصب میکردند. در بیانیه های آنان جملاتی مانند « عثمانی ها از زیر بار استبداد خارج شدند و آزادی خواهان خود را به دروازه های استامبول رساندند. شما هم خود را به دروازه های تهران برسانید، دیده می شد » (گرگانی، ۱۳۶۸: ۱۲۴-۱۲۵). سرانجام اقدامات شدید دولت کودتا باعث شد عموم مردم از انقلابیون متنفر شوند. کار تا به آن جا بر علیه کمونیست ها شده بود که در اردبیل علی اکبر مجتهد اردبیلی با اعلام فتوای جهاد علیه بلشویک ها اسلحه بدست گرفته شاهسون های مغان و اطراف اردبیل را نیز به جنگ تشویق می کرد (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۷۳). می توان گفت دو عامل مهم در شکست دولت ائتلافی برخوردار رهبری حزب با دین اسلام و نحوه اجرای سیاست اصلاحات ارضی آن دولت بود که زمینه را برای تبلیغات ضد جنبش فراهم آورد. در صحنه سیاسی خارج از گیلان جدا شدن میرزا از جنبش جنگل دولت مرکزی را در مقابل حکومت خودمختار گیلان قرار داد و مشاور الممالک به مسکو رفت تا در رابطه با اختلافات دو کشور و از جمله مسئله گیلان و حضور نیروهای سرخ در ایران را حل کند. چند روز پس از کودتای

سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش (۲۲ فوریه ۱۹۲۱ م) مشاور الممالک مذاکرات خود را با موفقیت به پایان رساند و قرارداد ۱۹۲۱ را با چچرین امضا کرد و فئودور روتشتاین به عنوان وزیر مختار شوروی به ایران آمد.

احمدشاه در نطق خود خطاب به روتشتاین در هنگام تحویل استوار نامه اش اعلام کرده بود که به شدت خواهان حل و فصل ماجرای گیلان به کمک شوروی است. روتشتاین هم مایل بود اولین قدم او در راه تجدید روابط دو دولت پایان دادن به کار میرزا باشد تا بتواند را تجاری تهران - مسکو را نیز بگشاید (تفرشی، ۱۳۷۲: ۲۳). روتشتاین در راستای انجام این کار وظیفه یافت تا انقلاب گیلان را به صورتی خاموش کند که به حیثیت آزادی خواهان شوروی لطمه ای وارد نشود. او نیز در نامه ای به میرزا اعلام کرد به علت مواد قرارداد دو دولت ایران و شوروی مجبور است حمایت خود را از انقلابیون در مقابل قوای مرکزی بر دارد (نوازی، ۱۳۶۹: ۱۶۱).

در همین زمان دو حادثه تاثیر گذار رخ داد. اول اینکه زمینه آشتی صوری میان جناح های مبارز و حکومت سوسیالیستی به وجود آمد و احسان الله خان و خالو قربان به دیدن میرزا رفتند که به اعلامیه رفع اختلاف در ۲۳ مرداد ۱۳۰۰ ه.ش (۱۴ آگوست ۱۹۲۱ م) منجر شد و حیدرخان وارد گیلان شد تا مذاکره آشتی را رهبری کند و دوم اینکه سران رژیم شوروی با داشتن تجربه یک ساله از اوضاع گیلان به این نتیجه رسیده بودند که زمینه در ایران برای برقراری نظام کمونیستی مهیا نیست و هرگونه کوششی از جانب شوروی برای ایجاد یک انقلاب در ایران موجب خواهد شد که ایرانیان به انگلستان پناه ببرند (شورمیچ، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶). اما حضور حیدر خان که پس از تشکیل کنگره خلق های شرق در باکو (آبان - آذر ۱۲۹۹ ه.ش / نوامبر و دسامبر ۱۹۲۰ م) و فراخواندن نمایندگان حزب کمونیست از دولت

ائتلافی احسان الله خان انجام گرفت نیز نتوانست جبهه مستحکمی به وجود آورد و در نهایت با کشته شدن او و دستگیری خالو قربان، حل اختلافات شوروی و انگلیس و اجرا شدن عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی و تصرف گیلان توسط قوای دولتی جنبش به پایان عمر خود نزدیک شد.

قرارداد ۱۹۲۱

در رابطه با علت حمایت بلشویک ها از جنبش جنگل و سپس رها کردن آن که به سقوط جنبش انجامید دو نظر متضاد وجود دارد. اول اینکه از نظر بلشویک ها اهمیت جنبش جنگل نه به لحاظ مبارزه با انگلستان بلکه به لحاظ امکان استفاده از آن برای تبلیغات انقلابی در سراسر ایران است. نظر دوم که توسط نویسندگان غربی ابراز شده است هدف بلشویک ها از تقویت جنبش جنگل را اعمال فشار بر دولت ایران برای امضای قرارداد مودت ۱۹۲۱ و نیز قدرت چانه زنی بیشتر با انگلستان می دانند (ذبیح، بی تا: ۱۳).

اولین نتیجه عهدنامه مودت ۱۹۲۱ خودداری شوروی از ادامه فعالیت گروه های انقلابی در ایران گیلان بود. چون به موجب فصل چهارم عهدنامه دو دولت متعهد شده بودند که از دخالت در امور داخلی یکدیگر بپرهیزند و بر اساس فصل پنجم از تشکیل و توقف و تجهیز قوای مخالف یکدیگر و عبور مهمات برای آنان از خاک خود جلوگیری به عمل آورند (نوازی، ۱۳۶۹: ۱۶۸-۱۶۹). با توجه به این که دولت انقلابی گیلان فقط از راه باکو می توانست اسلحه مورد نیاز خود را تامین کند با اجرای ماده پنجم این راه بسته می شد و جنبش در محاصره قرار می گرفت و منزوی می گردید (شورمیچ، ۱۳۸۴: ۱۳۸). این گونه شوروی با

بستن راه کمک شهرهای قفقاز و خارج کردن نیروهای خود از ایران در مرداد ماه ۱۳۰۰ ه.ش (آگوست ۱۹۲۱ م) و دولت انگلیس نیز با مسلح کردن نیروهای دولتی زمینه را برای سقوط جنبش به دست رضاخان فراهم آوردند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گفته شد می توان گفت تأثیر اندیشه های سوسیالیستی در سقوط نهایی جنبش جنگل بدون شک بسیار کلیدی و مهم بود. اما قبل از این باید توجه کنیم که جنبش از ابتدا دارای نقاط ضعف مهمی بود که با مرور زمان آن را به سمت سقوط پیش می برد. همان گونه که گفته شد پیروان جنبش از بالاترین تا پایین ترین طبقات جامعه گیلان بودند. هر یک از این گروه ها اهداف متفاوتی داشتند که بنا برآن با جنبش همکاری می کردند. از نقاط ضعف اساسی جنبش این بود که نتوانست اهداف این گروه ها و طبقات مختلف را یکی کند، آن را در ظرف یک ایدئولوژی قوی و منسجم بریزد و در راستای موفقیت جنبش بکار برد. بنابراین هر کدام از این گروه ها ایدئولوژی جنبش را بنابر نفع خودشان تعبیر و تفسیر می کردند و بعد با برآورده نشدن اهدافشان به راحتی از جنبش جدا می شدند. عدم شناخت دقیق و روشن از ایدئولوژی های رایج زمانه که می توانست با توجه به اوضاع نابه سامان منطقه افرادی را به خود جذب کند باعث شد جنبش نتواند برای مقابله با اندیشه هایی ازین دست برنامه ریزی لازم و کافی را برای جلوگیری از انحراف انجام دهد. البته شخص میرزا با افکار سوسیالیستی و مرام و مسلک آنان آشنایی داشت اما به دلیل اینکه نتوانسته بود ایدئولوژی جدید و پویایی برای جنبش به وجود آورد از مقابله با این اندیشه ها نیز باز ماند. عدم باور جنبش به اینکه به

تنهایی می تواند انقلابی را در جهت بهبود اوضاع به راه بیندازد و هم چنین عدم تکیه به منابع و نیروهای داخلی باعث شد تا جنبش هر لحظه به سمت قدرتی کشیده شود که همکای با بلشویک ها بارزترین مثال برای این مورد است که باعث شد جنبش جنگل را در حالی که می توانست از یک حرکت منحصراً منطقه ای به یک حرکت فراگیر تبدیل کند به کج راهه کشانید. همکاری میرزا با بلشویک ها نه تنها عدول از ایدئولوژی اولیه جنبش بود که همین مورد باعث ریزش بسیاری از پیروانش شد بلکه باعث گردید به مانند بازیچه ای برای رسیدن به اهداف یک دولت خارجی قرار گیرد در حالی که اگر میرزا فردی سیاست پیشه بود یا سیاستمدارانی در کنار خود داشت می توانست حتی در صورت همکاری با بلشویک ها برای هر گونه اقدام غیر منتظره از جانب آنان برنامه ریزی لازم را انجام دهد.

می توان نتیجه گرفت که تبلیغات کمونیست ها و حضور آنان در جنبش به مثابه یک عامل خارجی بود که ضربه نهایی را به جنبش وارد ساخت. این در حالی است که حزب کمونیست ایران که جنبش را به نام خودش مصادره کرده بود نیز با توجه به اسناد و شواهد موجود بازیچه دست شوروی برای رسیدن به اهداف بزرگ بین المللی اش بود. وقایعی که بعد از دولت کودتا رخ داد و به خصوص عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی تا حد بسیار زیادی تأییدی بر این مدعاست.

منابع و مآخذ

۱. آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آبادی، محسن مدیرشانه چی، تهران: نشر مرکز.

۲. ایوانف، میخائیل سرگوییچ، (۱۳۵۴)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه کاظم انصاری، تهران: امیرکبیر.
۳. _____، (بی تا)، تاریخ نوین ایران، ترجمه احسان طبری.
۴. پاینده لنگرودی، محمد، (۱۳۶۸)، یادى از دکتر حشمت، تهران: نشر شعله اندیشه.
۵. پرسیتس، موسی آرنوویچ، (۱۳۷۹)، بلشویک و نهضت جنگل، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر شیرازه.
۶. تفرشی، مجید، (۱۳۷۲)، دو سال روابط محرمانه احمدشاه و سفارت شوروی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۷. ذبیح، سمیر، (بی تا)، تاریخ جنبش های کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: بی نا.
۸. رائین، اسماعیل، (۱۳۵۵)، حیدر خان عمواغلی، چاپ سوم، بی جا، نشر جاویدان.
۹. رواسانی، شاپور، (۱۳۸۱)، نهضت جنگل (زمینه های اجتماعی)، چاپ دوم، تهران: نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۰. _____، (۱۳۸۴)، اولین جمهوری شورایی ایران (نهضت جنگل)، تهران: نشر
۱۱. شعاعیان، مصطفی، (۱۳۴۹)، نگاهی به روابط شوروی و نهضت جنگل، تهران: بی نا.
۱۲. فخرایی، ابراهیم، (۱۳۶۸)، سردار جنگل، چاپ دوازدهم، بی جا: نشر جاویدان.
۱۳. فوران، جان، (۱۳۷۷)، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: رسا.
۱۴. کتابی، احمد، (۱۳۶۲)، سرزمین میرزا کوچک خان، بی جا: نشر معصومی.

۱۵. لنروسکی، جرج، (۱۳۵۶)، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، چاپ دوم، بی جا: نشر جاویدان.
۱۶. متولی، عبدالله، (۱۳۷۳)، بررسی تطبیقی دو نهضت خیابانی و جنگل، تهران: نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. منشور گرگانی، محمدعلی، (۱۳۶۸)، رقابت روسیه و انگلیس در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶، به اهتمام محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: نشر موسسه مطبوعاتی عطائی.
۱۸. نوازی، بهرام، (۱۳۶۹)، عهدنامه مودت ایران و شوروی، تهران: نشر همراه.
۱۹. نوذری، عزت الله، (۱۳۸۰)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز: نوید شیراز.

مقالات

۱. خلیجی، محسن و رادمرد، محمود، «تناقض ایدئولوژیک در جنبش جنگل»، فرهنگ، ۱۳۸۸، ش ۷۱، صص ۵۳-۸۸.
۲. سلطانیان، ابوطالب، «بررسی روند تغییر ایدئولوژی سیاسی جنبش جنگل و پیامدهای آن»، مجله پژوهش های علوم تاریخی، دوره دوم، ۱۳۹۲، ش ۲، صص ۹۳-۱۱۲.
۳. شورمیچ، محمد، «بررسی تطبیقی روابط روسیه تزاری و نهضت جنگل و تاثیر آن بر روابط خارجی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳۸۴، ش ۳۰، صص ۱۲۷-۱۴۲.

روزنامه ها

۱. روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۷، ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۶.
۲. روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۸، ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۳۶.